



یوسف احمدی

# رویکرد اخلاقی رسانه با نگاهی به اخلاق فردی و ارزشهای فرهنگی افغانستان

۱۱۱

مقاله

فصلنامه فرهنگی، ادبی و هنری

شماره دوم و سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۵



## فعالیت رسانه‌ای در افغانستان

افغانستان پس از رویداد یازدهم سپتامبر با کمک کشورهای جهان موفق به تشکیل نظام مبتنی بر دموکراسی گردید که طی آن آزادی بیان مشروعیت یافت و همینطور فعالیتهای رسانه‌های همگانی بیش از هر زمان دیگر گسترش. طوری که «تا سال ۱۳۸۹، تعداد صدها رسانه چاپی با وضعیت ناشناخته، ده‌ها وبسایت و بیش از ۷۵ شبکه تلویزیونی و ۱۷۵ ایستگاه رادیویی فعال در افغانستان شناسایی شدند» (یو. اس. اید، ۲۰۱۰: ۱۳). همین امر موجب شد تا دولت سیاست رسانه‌های همگانی کشور را که در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰ به تصویب شورای عالی رسانه‌ها رسیده بود، اعلام کند. البته اعلام سیاست رسانه‌ای افغانستان در حالی است که قانونهای متعددی برای نظم و چگونگی فعالیت رسانه‌های همگانی در سالهای ۱۳۸۰، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ تنظیم و اعلام گردید که در نهایت آخرین قانون تنفیذ شد و در حال حاضر رسانه‌ها نیز بر اساس آن فعالیتهایشان را تطبیق می‌دهند.

قانون رسانه‌های همگانی افغانستان با اهداف ترویج و حمایت آزادی بیان، ترویج و انکشاف رسانه‌های همگانی آزاد، مستقل و کترنگر، زمینه مناسب برای اظهار فکر و اندیشه، رعایت اصل آزادی بیان بر اساس میثاق بین‌المللی با نظر داشت دین مبین اسلام فراهم نمود و همینطور «سیاست رسانه‌ای» دولت با طرح اصولی مدیریتی، حقوقی، مسئولیتی، مقرراتی و اخلاق راه را بر آزادی بیان و تبادل اندیشه در «نظام رسانه‌ای»<sup>۲</sup> کشور هموار. بدینسان فعالیتهای رسانه‌های جمعی با حمایت قانون، دولت و همینطور نهادهای مدنی و بین‌المللی همراه است و همین امر باعث شده است که رسانه‌ها ضمن گسترش فعالیتهایشان آزادی بیان و عمل برخوردار شوند.

در واقع رسانه‌های همگانی افغانستان، در کنار فعالیتهای خبرنگاری و اطلاع‌رسانیشان در پخش برنامه‌ها، فیلمها، سریالهای خارجی و همینطور گفتگوها و میزگردهای سیاسی و فرهنگی آزادی زیادی برخوردار هستند. از برنامه‌هایی که بر اساس الگوهای هالیوود یا بالیوود ساخته می‌شوند تا فیلمهای هالیوودی و سریالهای ترکیه‌ای، هندی و کره‌ای که بیشترین تمرکزشان به رابطه عاطفی زن و مرد و یا تجمل‌گرایی است. همچنین برنامه‌هایی که در آن به نام نقد سیاست و فرهنگ به تمام شخصیتهای سیاسی و فرهنگی و حتی مذهبی کشور و جهان توهین می‌شوند، همه در پرتو آزادی بیان توجیه می‌شوند. این آزادی بیان و عمل رسانه‌ها در تهیه مواد رسانه‌ای متفاوت و گاه مغایر فرهنگ و عرف اجتماعی مردم در حالی است که

افغانستان تا یک دهه اخیر شدیداً از نبود رسانه‌ها رنج می‌برد؛ اما حال دسترسی به انواع رسانه، اعم از رسانه‌های داخلی و خارجی - چه در حیطه اطلاع‌رسانی و چه در حوزه سرگرمی و تبلیغات به سهولت امکان‌پذیر است. فناوریهای نوین ارتباطی همانند ماهواره و اینترنت بدون هیچگونه محدودیتی در اختیار مردم قرار دارند.

ممکن است از منظری آزادی بیان و عمل رسانه‌های همگانی و دسترسی به فناوریهای نوین ارتباطی بدون هیچگونه نظارتی به رشد و تعالی اندیشه می‌انجامد؛ اما در جامعه سنتی افغانستان که هنوز مردمان آن وابستگی شدید به ارزشهای سنتی و فرهنگی دارند و همینطور بیشترین آمار جمعیتی آنان را بی سوادان یا کم سوادان تشکیل می‌دهند مسلماً و فوری رسانه‌ها و تشکلات فعالیتهای متفاوت و مغایر اصول فرهنگ و اخلاق جامعه چنین مزیتی نخواهند داشت؛ بلکه باعث سردرگمی اطلاعاتی و مصرف‌گرایی در بین مردم بیشتر خواهد شد.

## ملاحظات نظری

همانطور که ذکر گردید تلویزیون در کنار آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی کارکرد سرگرمی و تفریحی دارد که بیشتر برای پر کردن اوقات فراغت مخاطبان از طریق پخش سریال، فیلم، برنامه‌هایی که در قالب گفتگو، میزگرد، آشپزی، مسابقات تفریحی، موسیقی و... آنان به لذت انفعالی می‌کشاند. انتقاد صاحب‌نظران بیشتر در همین مسئله است که تلویزیون نه تنها موجب پر کردن اوقات فراغت مردم می‌شود بلکه آنان را ترغیب به غفلت می‌کند و در نهایت باعث تغییر الگوهای ذهنی و رفتاریشان می‌گردد.

در واقع «تلویزیون مهمترین شکل و نحوه خودسازی و خودآگاهی و تفاهم با خویش را در فرهنگ و بر فرهنگ ما دارد. بدین سبب، چهره‌ای که از تلویزیون در برنامه‌های تلویزیونی ترسیم می‌شود، الگو و نمونه‌ای می‌شود برای تصویر کلی خود جهان. به عبارت دیگر، جهان‌آنگونه دیده می‌شود که تلویزیون آن را در صحنه تلویزیون نشان داده است.

مسئله و مشکل به اینجا ختم نمی‌شود که سرگرمی و تجارت سرگرمی بر روی صفحه تلویزیون در همان هنگام، چهره‌ساز تمامی زمینه‌های محاورات عامه می‌شود، بلکه مسئله مهم در این است که تأثیر و دامنه نفوذ این برنامه‌ها به وراى صفحه تلویزیون [یعنی در دنیای واقعی] نیز کشیده می‌شود» (پستمن، ۱۳۸۶: ۲۰۸).

پستمن (۱۳۸۸)، با فرض اینکه تلویزیون فرهنگ اصیل ما را تحت شعاع خود قرار داده و در حال مضمحل کردن واقعیتهای ادراکی ماست، در مورد تأثیر سوء بالقوه تلویزیون تأکید می‌کند که چگونه در اثر این وسیله دایره آگاهیهای ما و تجربیات

1. USAID  
2. Media System

[فرهنگی] ما و دانش [اجتماعی] ما و درک و استنباط ما از جریانات و حوادث و وقایع محدود می‌گردد، چه مقولات [اخلاقی] و ظرایف از حوزه خود آگاهی ما زدوده می‌شود، چه عناصری از فهم و درک ما حذف می‌گردد، کدام توانایی و استعداد های فرهنگی ما از بین می‌رود و چه [خاطراتی] به‌مرور فراموش می‌گردد.

وی سپس نتیجه می‌گیرد که در ارتباط درازمدت با تلویزیون، قدرت درک ما از حوادث و تجربیات گذشته و قدرت برقراری ارتباط [بین فردی] و آنچه الآن واقع می‌شود با آنچه در گذشته رخ داده است، تضعیف می‌گردد. پستمن معتقد است که بر اثر تحمیل فرهنگ تلویزیونی، انسان فعال و متحرک و خلاق گذشته به یک تماشاچی منفعل و راكد تبدیل می‌شود و از همین رهگذر شاهد افول و کم رنگ شدن ملاک های اخلاقی و انسانی هستیم.

بدین ترتیب با نوعی فریبکاری، سوق دادن به غیر واقعی بودن ها و تحمیل شیوه های غفلت مواجه هستیم که مورد مؤاخذه اخلاق خبرنگاری قرار می‌گیرد. چونکه «هر آنچه فریبکار باشد و یا وهم واقعی به وجود آورد، طرد می‌شود... تلویزیون از این لحاظ، در ذات خود رسانه ای فریبکار است؛ زیرا به ما جلوه هایی از واقعیت را نشان می‌دهد، نه خود واقعیت را... در واقع تلویزیون پدیده ای حقیقی نیست. این وسیله فقط یک محیط سرگرم کننده است. تلویزیون یک سیرک، یک کارناوال و... تلویزیون یک رسانه ای است که در آن راستگویی تقریباً ناممکن است. در همه پوشش های تلویزیونی مثل برنامه های تاریخ طبیعی، رویدادهای جاری، بخش یا بخش های ساختگی یا وهم واقعیت وجود دارد» (سندرز، ۱۳۸۶: ۱۲۶). در مقابل این مؤاخذه، رویکرد دیگری اخلاقی وجود دارد که از آن به نام «پرهیزکاری» یاد شده است. این رویکرد به درستی انجام وظیفه ارتباط گران تأکید می‌کند و وظیفه شناسی اخلاقی روزنامه نگاران را ناظر بر حاصل کارها می‌داند؛ یعنی نتیجه گرایی که به اخلاق پرهیزگاران شهرت یافته است. در اینجا نه به ذات فناوری ارتباطی که به رفتار و عملکرد ارتباط گران آن توجه می‌شود.

سندرز (۱۳۸۶) سنت پرهیزگاری را به مفهوم عادات نیکو در رفتار به کار می‌برد. به گفته وی در بطن این عادات به اصطلاح چهار نوع تقوای فراگیرتری وجود دارد که عبارتند از: عدالت، خرد یا دوراندیشی، شکیبایی و شجاعت یا طاقت. سندرز معتقد است که پیروان ارسطو «خرد» را مادر همه تقواها و راهنمایی انسان می‌دانستند؛ زیرا عقیده داشتند که لازمه رفتار خوب، شناخت واقعیتهاست. آنان «عدالت» را تقوایی می‌شمردند که شخص را قادر می‌کند تا با نزدیکان و مخاطبان

خود با صداقت تعامل یا زندگی کنند. همینطور «شکیبایی» به انسان این توان را می‌بخشد تا برابر مشکلات پیروز شود، آنها را تحمل کنند و به هدف های عالی زندگی برسند.

بالاخره «شجاعت» به معنی طاقت انسان را به نوعی هماهنگی درونی می‌رساند تا آرامش را تجربه کنند. سندرز تأکید می‌کند که اخلاق پرهیزگاران نقش محوری اختیار در گزینش درست را روشن می‌کند و همینطور معتقد است که پرهیزگاری فراتر است از تمایل انسان به عمل کردن به شیوه های معین؛ یعنی مسئولیت پذیری بودن انسان و همینطور ارتباط گران در رسانه های جمعی.

اهمیت رویکرد اخلاقی پرهیزگاران از این لحاظ برجسته می‌گردد که بیشتر به وظایف ارتباط گران یا خبرنگاران معطوف است و به نوعی آنان در قبال رفتار مبتنی بر وجدان انسانی مسئول می‌داند. از سویی «علم اخلاق که قواعد اخلاقی ارتباط گران را با توجه به اولویت های ملی، محدودیت های زبانی، تنوع فرهنگی یا ساختار سیاسی آن جامعه تعیین می‌کند» (جیلی، ۱۳۸۳: ۱۰۷)؛ لذا مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی ارتباط گران و صاحبان رسانه ها نسبت به ارزش های فرهنگی جامعه از اولویتهایی تلقی می‌شود که به نوعی قواعد اخلاقی جامعه را می‌سازد.

مک کوایل (۱۳۸۵) معتقد است که نظریه مسئولیت اجتماعی یکی از شش الگوی هنجاری رسانه های همگانی است که در آن استقلال رسانه ها و تعهد آنان نسبت به جامعه باید بیامیزد. وی مبانی اصلی نظریه مسئولیت اجتماعی را این فرض می‌داند که رسانه ها وظایف اساسی در جامعه به عهده دارد، به خصوص در رابطه با سیاست دموکراتیک. به نظر او این نگرش که رسانه ها به انجام این وظایف متعهد می‌شوند، عمدتاً در حوزه اطلاعات درست و فراهم آوردن تربیون برای طرح انتقاد و ارائه دیدگاه های گوناگون و همینطور در امور مربوط به فرهنگ خلاصه می‌شود.

از همین روست که گفته می‌شود: مالکیت و کنترل رسانه نوع خدمت به مردم است نه کوشش خصوصی در جهت منافع خاصی. مک کوایل به تعداد زیادی از اصول اساسی نظریه مسئولیت اجتماعی اشاره می‌کند؛ اما در اینجا مجال پرداختن به تمام آنها را نداریم و فقط به تعدادی اندکی از آن تأکید می‌کنیم که عبارتند از:

رسانه ها باید تعهدات مشخصی را در مورد جامعه پذیرفته و انجام دهند.

این تعهدات را با گذاشتن استانداردهای بالا یا حرفه ای آگاهی بخشی حقیقت، دقت، عینیت و تعادل می‌توان به جا آورد.

رسانه ها باید از هر چه احتمال دارد؛ مثلاً از جرم، خشونت، بی

ممکن است از منظری  
آزادی بیان و عمل  
رسانه های همگانی و  
دسترسی به فناوریهای نوین  
ارتباطی بدون هیچگونه  
نظارتی به رشد و تعالی  
اندیشه می‌انجامند؛ اما در  
جامعه سنتی افغانستان که  
هنوز مردمان آن وابستگی  
شدید به ارزشهای سنتی و  
فرهنگی دارند و همینطور  
بیشترین آمار جمعیتی  
آنان را بی سوادان یا کم  
سوادان تشکیل می‌دهند  
مسلماً و فوری رسانه ها و  
تشتت فعالیت های متفاوت  
و مغایر اصول فرهنگ و  
اخلاق جامعه چنین مزیتی  
نخواهند داشت؛ بلکه  
باعث سردرگمی اطلاعاتی  
و مصرف گرایی در بین مردم  
بیشتر خواهد شد.



نظمی اجتماعی و یا تهاجم به گروه‌های اقلیت جلوگیری کند. روزنامه‌نگاران و متخصصان رسانه‌ها باید در مقابل جامعه، کارگردانان و بازار پاسخگو باشند.

بدینسان باید گفت که اصول «هنجاری مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها» نوعی رویکرد اخلاقی است که می‌تواند معیاری برای ارزیابی فعالیت رسانه‌ها قرار گیرند. این اصول تأکیدی است بر جلوگیری خشونت، بی‌نظمی یا تهاجم به اقلیتها و گروه‌های اجتماعی در جامعه و همینطور ابزاری است که طی آن موجب می‌شود تا رسانه‌ها در چهارچوب اخلاق انسانی و مسئولانه عمل کنند.

### روش مطالعه

این مطالعه بر آن است که سریالهای ترکیه‌ای «گل سیاه»، «زهر» و «کاردایی» را که هم اکنون (جوزای ۱۳۹۴) در یکی از شبکه‌های داخلی پخش می‌شوند مورد ارزیابی قرار دهد. این سریالها هرروز به ترتیب از ساعت ۵ بعد از ظهر تا ۹ شب مهمان خانه‌های مردم افغانستان هستند. از این رو به نظر می‌رسد که بیشترین مخاطب هدف این شبکه خانواده‌ها هستند که در این ساعات می‌توانند تماشای این سریالها را دنبال کنند.

از آنجایی که هدف مطالعه آن است تا دریابد که چقدر این سریالها همسو با اصول اخلاقی رسانه‌ای و ارزشهای فرهنگی جامعه افغانستان است، ملزم به استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی بر اساس «تحلیل محتوای هدفمند» (شانون و هیسه<sup>۱</sup> شدیم.

شانون و هیسه (۲۰۰۵) معتقدند که گاهی اوقات، نظریه مطرح‌شده یا تحقیق قبلی درباره یک پدیده‌ای ممکن است کامل نباشد و یا نیازمند توصیف بیشتر باشد؛ در این صورت محقق می‌بایست از روش تحلیل محتوا با رویکرد «هدایت‌شده یا هدفمند»<sup>۲</sup> استفاده کند. این رویکرد که بر اساس «روش قیاسی» و «متکی بر نظریه» طبقه‌بندی می‌گردد، بیانگر نقش برجسته نظریه در آن است. از این رو هدف تحلیل محتوای هدایت‌شده، معتبر ساختن و گسترش دادن مفهوم چارچوب نظریه و یا کاربرد خود نظریه است.

تحلیل محتوای کیفی با رویکرد هدایت‌شده، این امکان را به پژوهشگر داده است که در ابتدا با استفاده از نظریه‌های موجود، اصول اخلاقی رسانه‌ها و ارزشهای فرهنگی افغانستان به شناسایی متغیرها و مفاهیم کلیدی به مثابه دسته‌بندی و رمزگذاری بپردازد. همانطور که پژوهشگران کیفی معتقدند: «ابزار اصلی و محوری تحلیل محتوای کیفی، نظام مقوله‌های

آن است. هر واحدی در تحلیل باید کدبندی شود؛ یعنی در قالب یک یا چند مقوله قرارگیرد» (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۰۴). بدین لحاظ ابزار تحلیل این مطالعه نظام مقوله‌هایی است که بر اساس رویکرد تحلیل محتوای هدفمند استخراج شده‌اند. در اینجا به عنوان تعریف مقولات باید گفت که مقوله‌ها از دل نظریه‌ها، اصول اخلاقی رسانه‌ها و ارزشهای فرهنگی جامعه افغانستان به‌دست‌آمده‌اند. چنانچه در هر واحد تحلیل مقوله‌های منظور، بیش از ۵۰ درصد در متن استفاده شده باشد یا مورد کاربرد قرارگرفته باشد، می‌توان به درستی رعایت اخلاقیات سریالهای ترکیه‌ای تأکید کرد و در غیر این صورت باید گفت که اخلاقیات و ارزشهای فرهنگی نادیده انگاشته شده‌اند.

لازم به ذکر است که تعریف مقوله‌های «اصلی» و «فرعی» و شیوه کد گذاری آنان بر حسب دستورالعمل مایرینگ (۲۰۰۰) که در شیوه به‌کارگیری قیاسی مقوله‌ها مطرح کرده‌است، صورت پذیرفته است. این دستورالعمل در ارزیابی بخشهایی از متن به کار می‌رود که عبارتهای مربوطه در آن یافت می‌شوند. در واقع این امر یک نوع طبقه‌بندی است که سرانجام به رتبه‌بندی منجر می‌شود که هدف از انجام آن محاسبه فراوانیها و درجات مختلف یک مقوله باشد (مایرینگ، ۲۰۰۰، به نقل از حریری، ۱۳۸۵: ۲۷۶)؛ یعنی «هدف و اهمیت کد گذاری به این دلیل است که واحدهایی از متن را به شکل معناداری به مقوله‌ها مرتبط می‌سازد. از این رو کدها عاملهایی هستند که پژوهشگر از طریق آن بین داده‌ها و مقوله‌ها ارتباط برقرار می‌کند» (لیندلف و تیلور<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲: ۲۱۵). بدینسان در اینجا قواعد کد گذاری مطالعه بدین صورت است که در ابتدا به «فهرست‌بندی» مقوله‌ها و سپس به «تعریف مقوله‌ها» و در نهایت به «مقوله‌های فرعی» تمرکز شده است. از آوردن «مثال» در جدول به دلیل حجم زیاد آن صرف نظر نمودیم؛ اما در تحلیل مقوله‌ها حتماً از آن بهره خواهیم برد.

### تشریح مقولات اصلی و فرعی

مقوله‌های اصلی، تعریف مقوله‌ها و مقوله‌های فرعی:

مقوله اصلی: احترام به بزرگان

تعریف مقوله: احترام به بزرگان و موی سفیدان، احترام به فرهنگ سنتی افغانستان است که موجب رشد و تقویت اخلاق در روابط بین فردی، خانواده و در سطح جامعه می‌شود.

مقوله‌های فرعی: ۱. عدم نگاه احترام‌آمیز و ترحم‌آمیز به بزرگان، ۲. پرخاشگری به زنان و مردان سالمند، ۳. عدم توجه به صحبتها و نصیحتهای آنان؛

مقوله اصلی: پدرسالاری و خانواده هستی‌ای

1. Hsiu-Fang Hsieh & Sara E. Shanon  
2. Directed Content Analysis

تعریف مقوله: نقد پدرسالاری و خانواده هسته‌ای به دور از احترام و ادب جمعی به پدران لطمه روحی وارد می‌کند. این امر باید در طول زمان از طریق گفتمان فرهنگی دنبال گردد تا باعث نشود که اخلاقیات فردی در روابط خانوادگی از بین برود.

مقوله‌های فرعی: ۱. تأکید بر خواسته‌های شخصی بدون در نظر گرفتن نزاکت خانوادگی و پایبندی به حریم خانه، ۲. تأکید بر زندگی مستقل و روحیه‌ای فردی، ۳. تأکید بر تجمل زندگی مدرن و فردگرایی؛

مقوله اصلی: تعصب دینی، غیرت ناموسی و نفی خشونت  
تعریف مقوله: دامن زدن به تعصبات دینی باعث عدم هم‌پذیری در سطح منطقه می‌شود و همین‌طور غیرت ناموسی باعث ایجاد خشونت در خانواده و جامعه. خشونت باعث از بین رفتن حرمت انسانی می‌گردد و مروج بی‌قانونی و بی‌اخلاقی است. مقوله‌های فرعی: ۱. تأکید بر خاص‌گرایی دینی، ۲. برجسته‌نمایی غیرت در روابط فردی و زناشویی، ۳. توجیه انتقام‌گیری تحت نام غیرت، ۴. توجیه خشونت و نشان دادن جنگ؛

مقوله اصلی: مذهب محوری و حجاب  
تعریف مقوله: افتخار به مذهب خاصی منجر به تقویت عصبیت مذهبی در بین مردم افغانستان می‌گردد و همین‌طور تأکید بر رفع حجاب مایه تشنج اخلاقی در بین خانواده‌ها و روابط اجتماعی در جامعه؛

مقوله‌های فرعی: ۱. تأکید بر خاص‌گرایی مذهبی، ۲. نفی مذاهب دیگر، ۳. تأکید بر بی‌حجابی در زنان و مردان، ۴. موفق دانستن زنان بی‌حجاب؛

مقوله اصلی: حقیقت‌گویی  
تعریف مقوله: حقیقت‌گویی و پرهیز از تحریف در تلویزیون بر حسب وجدان ارتباط‌گران باعث تقویت اخلاق و درستی در جامعه می‌گردد.

مقوله‌های فرعی: ۱. بی‌تفاوتی نسبت به واقعیت‌های اجتماعی و تحریف آن، ۲. تأکید بر امری بدون مستندات و دلایل موجود، ۳. بی‌ارزش دانستن راستگویی و درستی؛

مقوله اصلی: مسئولیت اجتماعی ارتباط‌گران  
تعریف مقوله: مسئول دانستن ارتباط‌گران و پاسخگو بودن آنان در مقابل مردم باعث انسجام اجتماعی و تقویت روحیه و اخلاق مردم‌سالاری می‌گردد.

مقوله‌های فرعی: ۱. عدم بازگویی حقیقت، عدم تعهد به آگاهی بخشی، ۲. اعمال خشونت، بی‌نظمی و تهاجم به اقلیتها، ۳. پاسخگو نبودن در قبال جامعه و مردم؛

مقوله اصلی: شرافت حرفه‌ای ارتباط‌گران  
تعریف مقوله: متکی نبودن ارتباط‌گران رسانه‌ها به منفعت شخصی و سازمانی باعث می‌شود که منافع عمومی و اخلاق

جمعی حفظ گردد.

مقوله‌های فرعی: ۱. ترویج افکار مخرب و بی‌بندوباری، ۲. بی‌ارزش دانستن انجام کار مفید و عام‌المنفعه، ۳. رفتار نیرنگ آمیز، تظاهر و بی‌عدالت با نزدیکان؛

مقوله اصلی: پرهیز از تبعیض اجتماعی  
تعریف مقوله: اعمال تبعیض نژادی، مذهبی، جنسی، قومی، زبانی در رسانه‌ها باعث تضعیف روحیه افراد و اقلیت‌های فرهنگی می‌شود

مقوله‌های فرعی: ۱. تحقیر و توهین یک فرهنگ خاص، ۲. بی‌توجهی به حقوق انسانی یک جنس خاص، ۳. به‌سخره گرفتن مؤلفه‌های فرهنگی یک قوم خاص؛

مقوله اصلی: احترام به حریم خصوصی و حیثیت انسانی  
تعریف مقوله: احترام به حریم خصوصی باعث تقویت اخلاق انسانی می‌گردد و همین‌طور پرهیز از تهمت و افترا حرمت انسانی را نگه می‌دارد.

مقوله‌های فرعی: ۱. بی‌احترامی به الگوهای اخلاق مذهبی، ۲. تأکید به بی‌عهدی و عدم پایبندی به روابط زناشویی، ۳. محترم نشمردن هویت انسانی مانند حریم خانه و خانواده؛

مقوله اصلی: احترام به ارزش‌های عام فرهنگی و منافع عمومی  
تعریف مقوله: تاختن و هجوم بردن بر ارزش‌های فرهنگی یک جامعه باعث تشنج و مخدوش نمودن اخلاقیات گروه‌های اجتماعی می‌گردد. همین‌طور احترام به ارزش‌های فرهنگی دیگران باعث همبستگی فرهنگی اقوام و گروه‌های اجتماعی می‌گردد. هر نوع فعالیتی که مغایر مصلحت جامعه و حیثیت فرهنگی باشد، اخلاق و عرف جاری جامعه را زیر پا گذاشته است.

مقوله‌های فرعی: ۱. بی‌احترامی به هویت فرهنگی و باورهای مذهبی افراد و گروه‌های اجتماعی، ۲. بی‌توجهی به حقوق زن و حقوق بشر در روابط فردی و اجتماعی، ۳. بی‌تفاوتی به ارزش‌های فرهنگی جامعه، ۴. عدم همسویی با عرف و اخلاق اجتماعی مردم؛

### فنون تحلیل

از آنجایی که رویکرد مطالعه بر اساس رویکرد تحلیل محتوای هدفمند است، فنون تحلیل آن نیز بر حسب «فن ساختاریندی» است. به عبارتی طبق رویکرد هدفمند، مقوله‌ها به‌صورت قیاسی از نظریه‌ها استنتاج شده‌اند. از این رو فنون تحلیل نیز بر پایه فن ساختاری استوار است. «این فن تحلیلی عموماً در شیوه‌ی به‌کارگیری قیاسی مقوله‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و منظور از به‌کارگیری آن تحلیل یک ساختار ویژه در متن است» (حریری، ۱۳۸۵، ۲۷۲). در واقع اهداف تحلیلی آن ارائه تعاریف صریح، مثالها و قواعد کد‌گذاری برای هر مقوله



قیاسی است تا تبیین درستی از داده‌ها که در شرایط و موقعیت خود نسبت به مقوله کد گذاری شده‌اند صورت گیرد.

### واحد تحلیل

اعتقاد بر این است که «واحد تحلیل، در تحلیل محتوای [کیفی] کوچکترین اجزای متن است که در آن رویدادها و توصیف مفاهیم (ویژگیها و مقوله‌ها) بررسی می‌شوند. از آنجا که یک متن خود دارای «واحدهای طبیعی» نیست، لازم است واحدهای تحلیل در سطوح نحوی و معنایی برای هر تحقیق ویژه تعریف شوند» (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۰۲). بدینسان در این مطالعه واحدهای تحلیل را قسمتهایی از سریالهای ترکیه‌ای که ذکر گردید، تشکیل می‌دهد. برای تحلیل درستتر این واحدها به دو سطح نحوی و معنایی تقسیم شده‌اند. سطح نحوی، کوچکترین و مهمترین واحد کد گذاری واحد تحلیل است که طی آن می‌توان «تم» یا «موضوع» سکانسهای سریالها را مورد تحلیل قرار داد؛ اما سطح معنایی بزرگترین واحد کد گذار که به واحد زمینه‌ای نیز معرف است، خصوصیات واحد نحوی نیز در آن مشهود است.

### گردآوری داده‌ها

در این مطالعه روش گردآوری داده‌ها در حین انجام تحقیق صورت پذیرفته است. به خاطر بازیابیهای مکرر از طرح تحقیق، پژوهشگر فرصت بیشتری برای گردآوری داده‌ها نداشته است. بدین لحاظ در حین انجام تحقیق سریالهای ترکیه‌ای که در حال پخش بودند، ضبط گردیده و بلافاصله مورد ارزیابی قرار گرفتند. این سریالها عبارتند از: گل سیاه و کارادایی که به تاریخ ۶ و ۷ جوزا ۱۳۹۴ در یکی از شبکه‌های خصوصی تلویزیونی کابل پخش شدند.

### نمونه‌گیری

مشخص است که در روش تحقیق کیفی، انواع نمونه‌گیری وجود دارد که بیشتر همسو با مفروضات تحقیق هستند؛ مثل نمونه‌گیری هدفمند که بر اساس خصوصیات یا صفات سوژه انتخاب می‌شود؛ اما در اینجا به خاطر عدم فرصت کافی از این مزیت محروم شدیم و در هنگام انجام تحقیق که دسترسی به بخشهای از سریالهای در حال پخش داشتیم، استفاده شده است. بدینسان می‌توان شیوه نمونه‌گیری مان را نمونه‌گیری تصادفی ساده نام نهاد.

لازم به ذکر است که برای انجام قابلیت اعتماد (پایایی)، در خصوص اعتماد به کد گذاری مقوله‌ها و ضریب اعتماد آنان که برای برخی متغیرها به صورت جداگانه محاسبه می‌شود، با یک تن از دانشجویان دکتری به عنوان کد گذار با بخشی از واحدهای تحلیل و محاسبه درصد توافق میان کد گذار و

نگارنده استفاده شده است.

### سریال گل سیاه

گل سیاه به ترکی (Karagul) نام سریالی است که از جدی ۱۳۹۳ بدین سو از سوی یکی از شبکه‌های خصوصی در کابل هر روزه ساعت ۸ شب پخش می‌گردد. این سریال که ساخت کشور ترکیه است و دارای ژانر درام عاشقانه، در ابتدا از شبکه تلویزیونی فاکس پخش شد و پس از آن در یکی از شبکه‌های خصوصی در کابل. شرح مختصری از داستان و شخصیت‌های سریال را و بسایت «ویکی‌پدیا»<sup>۱</sup> به نقل از شبکه تلویزیونی «دی‌سی‌زی»<sup>۲</sup> ترکیه چنین توضیح می‌دهد:

مراد به قاضی‌انتب در روستایی کنار رود فرات که روستای محل تولد و پدری اوست می‌رود. هدف از رفتن نزد برادرش کندال برای گرفتن اموال پدری و مزارع و سهم خود از کارخانه بسته و گرفتن پسرش باران است. مراد، باران پسرش را پس از تولد دو از چشم همسرش به برادرش کندال داده است. ابرو و باران و دخترانش از این موضوع بی‌خبرند. کندال برادر خود را پس از مشاجره‌ای که روی کشتی کوچک کندال اتفاق می‌افتد در آب فرات غرق می‌کند و قصد بالا کشیدن اموال برادرش و پس ندادن پسر مراد باران را دارد. باران که از مادر واقعی خود (ابرو) بی‌خبر است تحت تأثیر خواسته‌های کندال شورور و ترس تربیت‌شده و از عمومی خود تحت هر شرایطی حمایت می‌کند.

ابرو همسر مراد با دو دخترش (مایا و آدا) و یک پسرش (روزگار) اموال خود را در استانبول از دست می‌دهد و برای گرفتن اموال شوهر خود و تعقیب علت مرگ شوهرش به روستا می‌رود؛ اما در کنار برادر شوهرش علی‌رغم میل باطنی زندگی می‌کند. فرهاد برادر نارین (همسر اول مراد در روستا) که انسان بسیار خوش قلبی است، ابرو و دختران و تک پسرش را در این مسیر سخت یاری می‌کند. کادریه مادر مراد حس دلسوزی نسبت به عروس بیوه و نوه‌های بی‌پدرش پیدا کرده و آنها را حمایت می‌کند.

حمایت این دو نفر مسیر سرکوب ابرو توسط کندال را سخت کرده‌اند. ملکه خواهر کندال عاشق رجب کارگر کندال شده است. رجب ماجرای قتل مراد را دیده است که کندال از این موضوع بی‌خبر است. کندال به معاشقه این دو پی برده و ملکه را در خانه حبس و رجب را شدید کتک می‌زند و ...

### تحلیل قسمت ۱۴۹ گل سیاه

در این قسمت، فرهاد در خوردن مشروب زیاده‌روی کرده و

1. www.fa.wikipedia.org  
2. www.televizyondizisi.com

حالی خوبی ندارد. باران متوجه می‌شود که فردی برای صدف نامه نوشته است. زندانی از سوی دگروال مورد بازجویی قرار می‌گیرد. کندال به عنوان پدر خانواده با ارتباط یا وصلت ملکه خواهرش با رجب مخالفت می‌کند و او به زندان خانگی می‌اندازد و...

### مقوله احترام به بزرگان

این مقوله احترام به بزرگان را موجب استحکام روابط خانوادگی می‌داند؛ اما در اولین سکانس قسمت ۱۴۹ مورد نقض قرار می‌گیرد. در این سکانس حالت مستی فرهاد (مامای باران) را نشان می‌دهد که بر اثر مشروب خواری در حالت بدی قرار دارد و باران با دیدن او سعی می‌کند که کمکش کند تا برود استراحت کند. سطح نحوی سکانس تم «کمک» کردن به بزرگان را نشان می‌دهد که باران در آن فردی است که بزرگان خانواده را دوست دارد و به خاطر مشروب خواری مامایش در آن لحظه کمی مضطرب نشان داده می‌شود؛ اما در سطح معنایی باید گفت که خصوصیات آن مغایر اخلاق و ارزشهای فرهنگی جامعه افغانستان است؛ زیرا مشروب خواری در فرهنگ افغانستان مغایر اصول اسلامی است و افراد شراب خوار شدیداً مورد نفرت قرار می‌گیرند.

بدین صورت، تصویر و تصور فرد بزرگسال در حال مستی و شراب خواری آنهم در خانه نزاکت خانوادگی را از بین می‌برد و احترام و منزلت خانوادگی را مضمحل می‌سازد. اساساً به تصویر درآوردن افراد در حالت مستی که غیر معمولی و نا هشیاری بودن را نشان می‌دهد به نظر غیر اخلاقی می‌نماید.

### احترام به حریم خصوصی

این مقوله نشان می‌دهد که محترم شمردن حریم خصوصی باعث تقویت روابط بین فردی و اخلاق انسانی می‌گردد؛ اما در سکانس بعدی که باران پس از کمک به مامایش که مشروب خورده بود، با ابرو (مادرش واقعی‌اش) از خانواده صحبت می‌کند که ناگهان متوجه می‌شود که کسی به صدف (نامادری‌اش) نامه فرستاده است. بلافاصله می‌رود سراغ صندوقچه مادرش تا ببیند چه کسی برایش نامه نوشته است. گرچه رفتن باران با تذکر ابرو مواجه می‌شود؛ اما باران اهمیتی نمی‌دهد. سطح نحوی این سکانس موضوعیتی را دنبال می‌کند که در آن باران فرد نگران و آینده‌نگر نشان داده می‌شود و نسبت به رویدادها هوشیار. سطح معنایی این سکانس ویژگیهای فردی را نشان می‌دهد که حریم خصوصی صدف را می‌شکند؛ چون نامه‌هایی که برای صدف آمده است، حالت محرمانه دارد. چنانچه غیر از این بود، خودش نامه‌ها را به اعضای خانواده نشان می‌داد. شکستن حریم خصوصی افراد، مغایر

اصول بین‌المللی اخلاق رسانه‌ای و پیش‌نویس اصول اخلاقی رسانه‌های افغانستان است که در اینجا به نحوی توجیه می‌شود.

### مقوله نفی خشونت

این مقوله که معتقد است، خشونت باعث از بین رفتن حرمت انسانی می‌گردد، در سکانسی که دگروال از متهم بازجویی می‌کند نقض می‌شود. در این سکانس وقتی که دگروال وارد سلول زندانی می‌شود، با متهم (فاتح) به صورت تهدید و ارباب صحبت می‌کند تا از وی اعتراف بگیرد.

دگروال تهدید می‌کند که «اگه عصبانی شدم، باز دیوانه می‌شوم، باز آنوقت می‌کشم». دگروال در ابتدا از متهم اعتراف می‌گیرد که او آدمی خوبی است و بلافاصله به متهم می‌گوید: «اما تو آدم بدی هستی». دگروال به نوعی در اینجا به خود بزرگی و شکستن حرمت انسانی متهم مبادرت می‌ورزد. وقتی متهم سعی می‌کند که از خود دفاع کند با واکنش فیزیکی دگروال مواجه می‌گردد و با صدای بلند همواره متهم را احق و کودن خطاب می‌کند.

سطح نحوی این سکانس بیانگر اعتراف‌گیری از فردی است که ظاهراً اخلاقی مرتکب شده است؛ اما هنوز شواهدی دال بر مجرم بودن آن وجود ندارد. متهم در حال التماس و دگروال در حال تهدید و تخریب. سطح معنایی سکانس چیزی نیست جز اعمال خشونت. متهم به عنوان انسان، حرمتش شکسته می‌شود؛ در حالی که هنوز گناه وی محرز نشده است. علاوه بر این شیوه تهدید و ارباب و به تصویر درآوردن حالت بازجویی مروج خشونت در جامعه محسوب می‌گردد که این امر در تناقض با اصول اخلاقی رسانه‌های افغانستان قرار می‌گیرد.

### مقوله غیرت ناموسی

مشخص است که تکیه بر غیرت ناموسی موجب خشونت در خانواده و جامعه می‌شود و تأکید بر آن خلاف اصول اخلاقی رسانه‌های افغانستان و همینطور پررنگ نمودن ارزشی است که افغانستان همواره از آن رنج می‌برد؛ اما در سکانس اعتراف‌گیری غیرت ناموسی به نوعی توجیه می‌گردد. متهم بالاخره پس از تهدید و ارباب اقرار می‌کند: «من فقط به خاطر اینکه برادرم را از انتقام گرفتن بازدارم وارد معرکه شدم». او ادامه می‌دهد: «برادرم آدمی بدی نبود؛ اما به خاطر خانم اولش که مردم از او به بدی یاد می‌کردند او را از بین برد، سپس به زندان افتاد. پس از زندان به هیچ زنی اعتماد نداشت، جز «اوزلم» (خواهرش). زمانی که او را با آن وضعیت با کندال دید، تصمیم گرفت اوزلم را از بین ببرد. برادرم گفت که به خاطر ناموسش به زندان افتاد و حالا هم باید به خاطر ناموس کندال و اوزلم را از بین ببرد». سطح نحوی این سکانس به موفقیت دگروال در اعتراف‌گیری

مقوله‌ها از دل نظر به‌ها، اصول اخلاقی رسانه‌ها و ارزشهای فرهنگی جامعه افغانستان به دست آمده‌اند. چنانچه در هر واحد تحلیل مقوله‌های منظور، بیش از ۵۰ درصد در متن استفاده شده باشد یا مورد کاربرد قرار گرفته باشد، می‌توان به درستی رعایت اخلاقیات سریالهای ترکیه‌ای تأکید کرد و در غیر این صورت باید گفت که اخلاقیات و ارزشهای فرهنگی نادیده انگاشته شده‌اند.



## توزیع مقوله‌ها در ارزیابی قسمت ۱۴۹ سریال گل

### سیاه

مقوله‌ها، تعریف مقوله‌ها، سکانس‌ها و مثال‌ها

مقوله: احترام به بزرگان

تعریف مقوله: احترام به بزرگان را موجب استحکام روابط خانوادگی می‌داند.

سکانس: اولین سکانس قسمت ۱۴۹

مثالها: ۱. مشروب خواری مامان باران که بزرگ خانواده است،

۲. به تصویر حالت مستی و ناهشیاری او، ۳. نگاه ترحم‌آمیز باران به ماما

مقوله: احترام به حریم خصوصی

تعریف مقوله: محترم شمردن حریم خصوصی باعث تقویت روابط بین فردی و اخلاق انسانی می‌گردد.

سکانس: داخل خانه

مثالها: ۱. رفتن سر صندوقچه صدف، ۲. پیگیری ارسال نامه از چه کسی، ۳. سرک کشیدن در کار دیگران؛

مقوله: نفی خشونت

تعریف مقوله: خشونت باعث از بین رفتن حرمت انسانی می‌گردد و همینطور موجب رشد کینه و انتقام.

سکانس: بازجویی

مثالها: ۱. ایجاد تهدید و ارباب در زندان توسط پولیس، ۲. تهدید متهم به کشتن در زندان، ۳. واکنشهای فیزیکی از سوی دگروال؛

مقوله: غیرت ناموسی

تعریف مقوله: تکیه بر غیرت ناموسی موجب خشونت در خانواده و جامعه می‌شود و همینطور باعث تضعیف حق انتخاب؛

سکانس: بازجویی

مثالها: ۱. توجیه قتل به خاطر غیرت ناموسی، ۲. تأکید بر خوب بودن قاتل به خاطر قتل ناموسی، ۳. افتخار زندان رفتن به خاطر قتل ناموسی؛

مقوله: پدرسالاری

تعریف مقوله: تأکید بر احترام و ادب جمعی نسبت به بزرگان خانواده باعث استحکام روابط و نزاکت خانوادگی می‌شود.

سکانس: زندانی کردن ملکه

مثالها: ۱. مخالفت با دوستی خواهرش و رجب توسط کندال به عنوان پدر خانواده، ۲. زندانی نمودن خواهرش به خاطر عدم تعیبت، ۳. یادآوری رفتارهای خشن با خواهرش

### سریال کارادایی

کارادایی به ترکی (Karadayi) سریالی است ترکیه‌ای در ژانر درام و جنایی. این سریال با کارگردانی «اولوچ بایرکنار»

تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که متهم به خاطر غیرت ناموسی وارد معرکه شده است و بدینسان واکنش مجرمانه‌اش توجیه می‌گردد. در سطح معنایی، این سکانس بیانگر آن است که غیرت ناموسی چیزی است که حتی به خاطر آن زندانی شدن هم افتخار تلقی می‌گردد. همینطور کشتن و از بین بردن انسانها مایه مباهات فردی است. این سطح زمینه‌ای نشان می‌دهد که فرد برای غیرت ناموسی تصمیم می‌گیرد که هم قاضی باشد و هم قاتل. چنین واکنشی که در تضاد با نظم اجتماعی و قانون جاری کشور است، موجب ترویج خشونت به نام غیرت ناموسی در جامعه می‌گردد.

### مقوله پدرسالاری

این مقوله یکی از ارزشهای فرهنگی جامعه افغانستان است که تأکید بر احترام و ادب جمعی نسبت به بزرگان خانواده دارد؛ اما در سکانسی که کندال، ملکه خواهرش را زندانی کرده است، مغایر این ارزش قرار می‌گیرد. کندال به خاطر اینکه ملکه با رجب دوست شده است، سخت ناراحت است و تصمیم گرفته تحت هر شرایطی سد راه این ارتباط گردد. حتی دستور می‌دهد که آدمهایش خواهرش را در کلبه‌ای زندانی کند؛ اما ملکه از آنجا فرار می‌کند و در مسیر راه با نگهبان درگیر می‌شود و بیهوش در بیابانی رها می‌گردد.

پولیس با این تصور که ملکه به قتل رسیده است، در پی قاتل است و کندال پدر خانواده از ترس اینکه مبادا ملکه در مورد عملکرد دیکتاتورانه‌اش قبلاً به پولیس چیزی گفته باشد، به شدت می‌ترسد. حتی در مواجه با پولیس همواره فلش‌بکهای نشان داده می‌شوند که چطور با خواهرش رفتار خشنی داشته است و در مقابل تهدید خواهرش برای شکایت از عملکرد دیکتاتورگونه‌اش نیز رفتار خشنی داشته است.

سطح نحوی این سکانس موضوعیت مخالفت کندال را با ارتباط ملکه و رجب و همینطور پیگیری قتل فرضی ملکه را نشان می‌دهد و تم تقریباً دیکتاتورگونه‌ای از کندال تصویر شده است. در سطح معنایی، نقدی است بر رویکرد پدرسالاری. در واقع خصوصیتی از کندال به عنوان پدرسالار نشان می‌دهد که در آن هیچ فردی از خانواده در آسایش نیست و هیچ کسی جز کندال به عنوان بزرگ خانواده مهم نیست. بدین طریق این سکانس با نفی اخلاق و هنجار سنتی در تضاد با ارزش فرهنگی جامعه افغانستان و دیگر جوامع سنتی قرار می‌گیرد. در واقع این سکانس نقدی تند است بر ارزش پدرسالاری در جوامع سنتی که در آن پدر محور تمام تصمیمگیریهاست و اعضای خانواده از حقوق طبیعی‌شان محروم.

از آنجایی که رویکرد مطالعه بر اساس رویکرد تحلیل محتوای هدفمند است، فنون تحلیل آن نیز بر حسب «فن ساختار بندی» است. به عبارتی طبق رویکرد هدفمند، مقوله‌ها به صورت قیاسی از نظریه‌ها استنتاج شده‌اند. از این رو فنون تحلیل نیز بر پایه فن ساختاری استوار است. «این فن تحلیلی عموماً در شیوه به کارگیری قیاسی مقوله‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و منظور از به کارگیری آن تحلیل یک ساختار ویژه در متن است» (حریری، ۲۷۲، ۱۳۸۵). در واقع اهداف تحلیلی آن ارائه تعاریف صریح، مثالها و قواعد کد گذاری برای هر مقوله قیاسی است تا تبیین درستی از داده‌ها که در شرایط و موقعیت خود نسبت به مقوله کد گذاری شده‌اند صورت گیرد.



محصول سال ۲۰۱۲ کمپانی معروف «آی یایم» است که برای اولین بار از شبکه تلویزیونی «آ ت و» ترکیه به نمایش درآمد؛ اما در یکی از شبکه های خصوصی تلویزیونی در کابل از حمل سال جاری در هفته ۵ روز، رأس ساعت ۵ بعد از ظهر این سریال پخش می شود.

آغاز داستان در شهر استانبول در سالهای هفتاد میلادی اتفاق می افتد. «ماهر» کارگر کفاش خوش تیپ و ساده است که با خانواده اش در یک محله آرام زندگی می کند. در روز نامزدی ماهر، پدرش نظیف به اتهام قتل سلیمان دادستان کل استانبول دستگیر می شود. ماهر که باور دارد پدرش بی گناه است برای آزادی وی تلاش زیادی می کند. او به عنوان وکیل کارآموز، با نام جعلی صالح ایپک وارد دادگاه می شود و در کنار قاضی «فریده» شاداوغلو پرونده پدرش نظیف کارا را به دست می گیرد تا عدالت را بر ظلم پیروز کند؛ اما ناگهان خود را در میان یک دوراهی بزرگ می بیند: بین عشق و عدالت و ...

### قسمت ۶۷ سریال کارادابی

در این قسمت سکانس های گفت و گوی ماهر با پدرش درباره قاضی فریده، شرح ماجرای قماربازی و اختطاف نظیف نوه نظیف، درگیری فیزیکی با احمدی بیهوده که تصور می رود آدم های گروگان گیر هستند، ارتباط مخفیانه سلیمان دادستان مقتول با خانمی از استانبول مشخص می شود، همدستی مادر و دختر برای ارتباط گیری با صالح (ماهر) بدون اطلاع پدر خانواده و ... به نمایش درآمدند.

احترام به حریم خصوصی و به ارزشهای عام فرهنگی: مقوله احترام به حریم خصوصی که باعث تقویت اخلاق انسانی و فردی می شود و همینطور مقوله احترام به ارزشهای عام فرهنگی که موجب جلوگیری از مخدوش نمودن اخلاقیات اجتماعی در جامعه می گردد، در اولین سکانس قسمت ۶۷ سریال کارادابی نقض می گردد. در این سکانس وقتی ماهر با لباس مرتب وارد کارگاه کفایشان می شود، پدرش نظیف کارگر دیگرش را برای انجام کاری بیرون می فرستند تا با ماهر درباره ارتباط مخفیانه با قاضی فریده راحت صحبت کند.

پدرش می گوید: «امروز صبح تو را با قاضی فریده یکجای دیدم، چای می نوشیدید، دست او را می بوسیدی. تو با این کارات مرا [از زندان] نجات دادی؟ (نظیف با نامه قاضی فریده از زندان آزاد شد) چرا این کار را می کنی؟ مرا شرمند ساختی، من تو را اینطوری تربیت نکرده بودم. در این دنیا بدترین کار سوء استفاده از احساسات مردم و فریب دادنشان است و ...». ماهر با تکان دادن سرش می گوید: «پدر، من از قاضی فریده سوء استفاده نکردم. آنچه دیدی حقیقت بود. فریب نبود. می دانم ناخواسته به او خیلی دروغ گفتم و خودم

طوری دیگه ای [با اسم جعلی] معرفی کردم؛ اما هیچ وقت نیت نداشتم که در قلب او جای بازکنم.» ماهر با چهره مصمم ادامه می دهد: «اما این یک تقدیر بود، سرنوشت بود، پدر! چیزی که باید می شد، شد. این قلب بالاخره همدم خودش را انتخاب می کند. اگر دو نفر باهم روبه رو می شود کدام حکمتی دارد.» پدرش پس از شنیدن صحبت های ماهر ساکت می شود و از کارگاه بیرون می رود تا قدم بزند.

سطح نحوی این سکانس نشان دهنده آن است که نگرانی نظیف را به عنوان پدر خانواده نسبت به رفتار عاشقانه ماهر توصیف کند. این نگرانی نظیف فقط در حیطه زحماتی که برای درست بار آوردن ماهر کشیده بود، برجسته می گردد و یک نوع اخلاق پدرانه ای را تصویر می کنند.

در سطح معنایی باید گفت که توجهات ماهر نسبت به عشق قاضی فریده در تضاد با مقوله حریم خصوصی قرار می گیرد. از آنجایی که ماهر نامزد دارد توجه ارتباط عاشقانه با قاضی فریده توسط تقدیر و سرنوشت، همان بی عهدی و عدم پایبندی به روابط زناشویی است. از این حیث توجهی به حقوق نامزد ماهر صورت نمی گیرد و بدینسان این سکانس به ارتباطی دامن می زند که قبلاً از آن به نام «عشق چند ضلعی» نام برده شد و این ارتباط مغایر مقوله احترام به ارزشهای عام فرهنگی نیز می باشد؛ زیرا در آن حق نامزد ماهر به عنوان «حقوق زن» نادیده انگاشته شده است.

از سویی دامن زدن به این نوع ارتباط و توجیه نمودن آن با مفاهیم تقدیر و سرنوشت، الگوهای ذهنی مردم افغانستان را نیز دستخوش دگرگونی می کند که در این صورت شرافت حرفه ای ارتباط گران زیر سؤال قرار می گیرد؛ چون به ترویج بی بندوباری پرداخته اند.

### مقوله منافع عمومی

این مقوله که هر نوع فعالیتی را که مغایر مصلحت جامعه باشد و یا اینکه اخلاق عمومی جامعه و قانون جاری کشور را زیر پا بگذارد، غیر اخلاق و غیر مشروع می داند، در سکانس شرح قماربازی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این سکانس، پسر بچه ای به ماهر می گوید: «نظیر کجاست، داخل پارک بازی می کردیم که یک دفعه غیب شد». پدر ماهر که در حال دور شدن بود، صحبت های پسر بچه را می شنود، برمی گردد و با همراهی ماهر به خانه می روند تا از قضیه اطلاع کامل حاصل کنند. وقتی وارد خانه می شوند، می دانند که اهل خانه هم از وجود نظیر اطلاعی ندارند.

در این حالت، پدر نظیر (شوهر خواهر ماهر) کمی به من من می افتد و ماهر متوجه می شود که مشکل از سوی اوست.





فرهنگی و خانمانسوز محسوب می‌شود و همینطور پرداختن به آن در اینجا می‌تواند بی‌تفاوتی نسبت به این مهم باشد. از سویی قمار کردن یکی از اعمالی است که مغایر قانون جاری، مغایر دستورات اسلامی و مغایر منافع عمومی مردم تلقی می‌شود که در این سریال بدان پرداخته شده است.

### مقوله احترام به منافع عمومی

همانطور که ذکر گردید، این مقوله به هر نوع فعالیتی که مغایر مصلحت جامعه و حیثیت فرهنگی باشد، آن را خلاف اخلاق و عرف جاری می‌داند. در سکانس بازپرس دادگاه مورد ارزیابی قرار گرفت. وقتی بازپرس به منزل نهال، خانمی که به صورت مخفیانه با سلیمان (مقتول) ارتباط داشت، می‌رود، در اولین گفتگو می‌پرسد: «چطور خانه ما را پیدا کردید. از دوستان سلیمان هیچ کسی مرا نمی‌شناسد.» بازپرس در جواب می‌گوید: «یعنی شما قبول می‌کنید که با آقا سلیمان رابطه مخفیانه داشتید؟»

نهال با سر تأیید می‌کند و می‌گوید: «دادستان مرحوم (سلیمان)

ماهر با اصرار از وی می‌خواهد که اصل قضیه را تعریف کند و بالاخره لب می‌گشاید: «بین! من یک کار احمقانه کردم، قمار کردم، زیاد نه فقط دو بار؛ اما باختم... گرچه پول را برایشان دادم، لیکن احمد [بیهوده] و آدم‌هایشان نظیر پسرم را اختطاف کردند».

سطح نحوی سکانس، تم خیانت پدری را نشان می‌دهد که نسبت به خانه و فرزندش بی‌اهمیت است. برعکس پدری که در مقابل خانه و فرزندش مسئول است، وی خیلی راحت سرگرم قماربازی است و همینطور بر خلاف اخلاق خانوادگی که باید برای خانواده هزینه کند، پولش را به قماربازان شهر می‌دهد. همچنین قمار را مایه آشنایی با انسانهای بی‌اخلاق می‌داند.

در سطح معنایی باید گفت که به تصویر درآوردن بی‌تفاوتی و بد اخلاقیهای یک پدر همانند «قمار کردن» در راستای تضعیف اخلاق جمعی صورت می‌پذیرد که در آن اخلاق و عرف جاری جامعه زیر پا گذاشته می‌شود. در همه جوامع، به خصوص جوامع سنتی همانند افغانستان، قمار یک عمل ضد ارزش

همراز زندگی ام بود، آگه سالهای قبل این سؤال را می پرسیدید، می گفتم هرگز؛ اما زندگی ما را همیشه به حقایق مختلف رویه رو می سازد.» باز پرس می پرسد: «شما چطور با مرحوم آشنا شدید؟» بلافاصله نهال جواب می دهد: «توسط دوستانم در استانبول، آن موقع در استانبول زندگی می کردیم.» باز پرس در مورد فرزند نهال می پرسد و جواب می شود که «یک فرزند دارم که پدرش سلیمان است؛ اما در شناسنامه به نام او نیست» و ...

سطح نحوی این سکانس به موضوعیتی می پردازد که امروزه بعضی از مسئولین و بزرگانگی که وضع اقتصادی خوبی دارند، در حالی که متأهل هستند و دارای خانه و زندگی به ارتباط مخفیانه ای نیز روی می آورند. همانطور که سلیمان دادستان مرحوم، به خاطر نکوهش مردم و خانواده اش به ارتباط مخفیانه ای با خانمی از استانبول روی آورده بود. این نوع ارتباط با عرف و اخلاق اجتماعی مردم سازگاری ندارد و دامن زدن به آن یک نوع بی تفاوتی نسبت به اخلاقیات مردم و ارزشهای فرهنگی جامعه به شمار می رود.

سطح معنایی این سکانس بیانگر یک نوع ساده سازی ارتباط مخفیانه در جامعه است؛ زیرا باز پرس و خانم نهال خیلی راحت بدون کدام اظهار ندامتی به آن می پردازند؛ گویا که در جامعه این مسئله اهمیتی ندارد. در صورتی که خانواده ها نسبت به ارتباط مخفیانه حساسیت زیادی دارند و از این رو یک نوع ناهنجاری در جامعه محسوب می گردد. بدین ترتیب ساده سازی ارتباط مخفیانه مغایر مصلحت عمومی جامعه و در تضاد با اخلاق خانوادگی و ارزشهای فرهنگی جامعه محسوب می گردد.

### مقوله نفی خشونت

این مقوله بر آن است تا خشونتی که باعث از بین رفتن حرمت انسانی می گردد و همینطور موجب ترویج بی قانونی و بی اخلاقی در جامعه می گردد، در «سکانس درگیری ماهر با احمد بیهوده» این اصل اخلاقی نقض می گردد. وقتی ماهر متوجه می شود که احمد بیهوده در اختطاف خواهرزاده اش نظیر دست دارد به مکانی می رود که در آنجا محل خرید و فروش حیوانات است.

وقتی بیهوده را پیدا می کند بدون هیچ حرفی و صحبتی به درگیری فیزیکی شروع می کند. در حین درگیری و در حالی که پشت سرهم به با مشت و لگد احمد بیهوده را می زند، فریاد می کشد: «خواهرزاده ام کجاست، چکارش کردی؟» احمد بیهوده، در زیر ضربات ماهر اظهار بی اطلاعی می کند و رفیقهای احمدی به حمایت از او، وارد درگیری می شود. ماهر با دست خالی تک تک آنها را از پای درمی آورد و یک نوع مانور قهرمانی می دهد. این درگیری و خشونت در حالی است که

نظیر را کسی دیگری اختطاف کرده است.

سطح نحوی این سکانس تم هیجان و درگیری را نشان می دهد. هیجانی که در آن ماهر عاری از عقل و منطق خاصی است و حتی بدون سؤال و جوابی به احمد بیهوده حمله می کند که بیانگر یک نوع توحش و در تضاد با اصل نفی خشونت می تواند باشد. در سطح معنایی نیز همین مسئله وجود دارد. ماهر که به دلیل اختطاف خواهرزاده اش به شدت نگران است، بدون اینکه ماجرا را از طریق قانون پیگیری کند خود دست به کار می شود. ارتکاب اعمال مجرمانه مثل درگیری فیزیکی، وحشت و ارباب باعث حرمت شکنی انسانها و بر خلاف اصل اخلاقی رسانه ای افغانستان به شمار می آید. در این سکانس اعمال خشونت به خاطر اختطاف خواهرزاده ماهر به نوعی توجیه می شود که در تضاد با مقوله نفی خشونت است.

### مقوله پدر سالاری

این مقوله با اعتقاد به احترام و نزاکت خانوادگی که سعی می کند همه تصمیمگیریهایی اعضای خانواده با مشورت پدر خانواده صورت گیرد؛ اما در سکانس «جشن تولد پدر قاضی فریده» نقض می گردد. در این سکانس، کریمه خانم مادر قاضی فریده در حال تدارک جشن است که فریده وارد سالن برگزاری می شود. مادرش با فریده تصمیمهایی که بدون اطلاع پدرشان گرفته اند مرور می کند؛ اینکه کجا بنشیند که در کنارش صالح (ماهر که خود را با این نام جعلی به قاضی فریده معرفی کرده بود) باشد و پدرش چیزی متوجه نشود، به صالح چه بگوید، طوری رفتار نکند که پدر مشکوک شود، لباس و آرایش مناسب این مجلس است و حتماً صالح خوشش می آید یا خیر. این ترتیبات در حالی است که ماهر یا همان صالح در پی آزادی خواهرزاده اش نظیر است و همینطور درگیر با احمد بیهوده و افراد آن. سطح نحوی این سکانس موضوعی را نشان می دهد که در آن مادری نگران آینده دخترش است و چیزهایی که باید قبل از دواج به او یاد بدهد، یادآوری می کند، همینطور چگونگی مواجهه با مرد آینده اش را.

سطح معنایی این سکانس، فراتر از این می نگیرد. همدستی مادر و دختر به دوراز نگاه پدر برای پنهان نمودن موضوعی نسبت به آینده فرزند خانواده کمی نزاکت و ارزش خانوادگی را نادیده می گیرد. مادر و دختر به صورت مخفیانه برای به دست آوردن دل پسری تلاش می کند که به دروغ خود را فرد تحصیل کرده معرفی کرده است و در واقع کسی نیست که آنان تصور می کنند. بدینسان این سکانس، حضور پدر را در خانواده نادیده می گیرد و تلاشی است برای نفی پدرسالاری در جامعه. از این رو می توان گفت که مغایر ارزش فرهنگی جامعه افغانستان نیز است.

مشخص است که تکیه بر غیرت ناموسی موجب خشونت در خانواده و جامعه می شود و تأکید بر آن خلاف اصول اخلاقی رسانه های افغانستان و همینطور پررنگ نمودن ارزشی است که افغانستان همواره از آن رنج می برد؛ اما در سکانس اعتراف گیری غیرت ناموسی به نوعی توجیه می گردد. متهم بالاخره پس از تهدید و ارباب اقرار می کند: «من فقط به خاطر اینکه برادرم را از انتقام گرفتن بازدارم وارد معرکه شدم». او ادامه می دهد: «برادرم آدمی بدی نبود؛ اما به خاطر خانم اولش که مردم از او به بدی یاد می کردند او را از بین برد، سپس به زندان افتاد. پس از زندان به هیچ زنی اعتماد نداشتم، جز «اوزلم» (خواهرش). زمانی که او را با آن وضعیت با کندال دید، تصمیم گرفتم اوزلم را از بین ببرم.



## توزیع مقوله‌ها در ارزیابی قسمت ۶۷ سریال کارادایی

مقوله‌ها، تعریف مقوله‌ها، سکانس‌ها، مثال‌ها:  
مقوله: احترام به حریم خصوصی و ارزشهای عام فرهنگی  
تعریف مقوله: احترام به حریم خصوصی موجب تقویت اخلاق انسانی در جامعه و نظم اجتماعی می‌شود. همینطور احترام به ارزشهای عام فرهنگی باعث جلوگیری از مخدوش شدن اخلاقیات اجتماعی؛

سکانس: اولین سکانس قسمت ۶۷

مثالها: ۱. دیدن ماهر با قاضی فریده در مکان خلوت،  
۲. بوسیدن دست قاضی فریده، ۳. نسبت دادن عشقشان به تقدیر و سرنوشت، ۴. نادیده انگاشتن حقوق نامزدش،  
۵. ترویج عشق چند ضلعی در جامعه.

مقوله: احترام به منافع عمومی

تعریف مقوله: فعالیتی که مغایر مصلحت جامعه باشد و یا اینکه اخلاق عمومی و قانون جاری کشور را نادیده بگیرد، حقوق اجتماعی و اخلاقیات جامعه را از بین می‌برد.

سکانس: شرح قماربازی

مثالها: ۱. قمار کردن شوهر خواهر ماهر ۲. تضعیف شدن روحیه خانواده توسط بازی قمار ۳. زیر پا گذاشتن اخلاقیات جامعه و قانون جاری کشور به وسیله قمار.

مقوله: احترام به منافع عمومی

تعریف مقوله: فعالیتی که مغایر مصلحت جامعه باشد و یا اینکه اخلاق عمومی و قانون جاری کشور را نادیده بگیرد، حقوق اجتماعی و اخلاقیات جامعه را از بین می‌برد.

سکانس: بازپرس دادگاه

مثالها: ۱. ارتباط مخفیانه سلیمان با خانمی در صورت تأهل، ۲. عدم سازگاری ارتباط مخفیانه با اخلاق اجتماعی، ۳. ساده‌سازی ارتباط مخفیانه، ۴. حساسیت خانواده‌ها با ارتباط مخفیانه

مقوله: نفی خشونت

تعریف مقوله: خشونت باعث نابودی حرمت انسانها می‌شود و همینطور موجب ترویج بی قانونی و بی اخلاقی در جامعه.

سکانس: درگیری ماهر با احمد بیهوده

مثالها: ۱. درگیری با احمد بیهوده بدون مقدمه، ۲. ایجاد رعب و وحشت با داد و فریاد زدن، ۳. عدم پیگیری ماجرا از طریق قانون، ۴. ترویج خشونت با قهرمان‌نمایی ماهر.

مقوله: پدرسالاری

تعریف مقوله: احترام به بزرگان باعث تقویت نزاکت خانوادگی می‌شود و همینطور مشورت با پدر خانواده موجب حفاظت از ارکان خانواده.

مقوله احترام به حریم خصوصی که باعث تقویت اخلاق انسانی و فردی می‌شود و همینطور مقوله احترام به ارزشهای عام فرهنگی که موجب جلوگیری از مخدوش نمودن اخلاقیات اجتماعی در جامعه می‌گردد، در اولین سکانس قسمت ۶۷ سریال کارادایی نقض می‌گردد. در این سکانس وقتی ماهر با لباس مرتب وارد کارگاه کفایشان می‌شود، پدرش نظیف کارگر دیگرش را برای انجام کاری بیرون می‌فرستند تا با ماهر درباره ارتباط مخفیانه با قاضی فریده راحت صحبت کند.

سکانس: جشن تولد پدر قاضی فریده  
مثالها: ۱. هماهنگی مادر و دختر بدون اطلاع پدر خانواده،  
۲. تذکر مادر به دختر نسبت به مشکوک شدن پدر، ۳. تخالف صادر و دختر با نزاکت و اخلاق خانوادگی به خصوص روحیه پدر.

### تفسیر

هرچند واقعیت این است که «تفسیر»<sup>۱</sup> کوشش فردی و درک مستقیم از متن تلقی می‌شود و این درست است که اکثر محققان داده‌ها را در مسیر تفکرشان درک می‌کنند؛ اما باید گفت که تفسیر بر اساس تبدیل موضوع تحلیل از یک چارچوب معنایی به چارچوب معنایی دیگر صورت می‌پذیرد تا درک عمیقی از مفاهیم آغاز گردد (لیندلف و تیور، ۲۰۰۲: ۲۳۵). بدینسان هدف از تفسیر در اینجا تبدیل موضوع تحلیل از محتوای سریالهای گل سیاه و کارادایی به خود شبکه خصوصی افغانستان است تا کارکرد آن در راستای اخلاق رسانه‌ای نیز مشخص گردد. در تحلیل اولیه تأکید بر ارزیابی مقوله‌های اخلاق رسانه‌ای و ارزشهای فرهنگی افغانستان در واحدهای تحلیل قرار داشت؛ اما در اینجا ارزیابی مقوله‌ها معطوف به خود رسانه‌هاست. در این نوع تحلیل سعی می‌شود تا به این پرسش مطالعه پاسخ داده شود که شبکه تلویزیونی نمایش دهنده افغانستان معطوف به کدام اخلاق رسانه‌ای است.

### توزیع فراوانی مقوله‌های کاربردی شده

مقوله‌های کاربردی شده، فراوانی، درصد

مقوله: نقض احترام به بزرگان

فراوانی: ۱

درصد: ۹/۰۹

مقوله: نقض حریم خصوصی

فراوانی: ۲

درصد: ۱۸/۱۸

مقوله: تأکید بر خشونت

فراوانی: ۲

درصد: ۱۸/۱۸

مقوله: تأکید بر غیرت ناموسی

فراوانی: ۱

درصد: ۹/۰۹

مقوله: نفی پدرسالاری

فراوانی: ۲

درصد: ۱۸/۱۸

1. Interpretation

2. Thomas Lindlof & Bryan Taylor

مقوله: نفی ارزشهای عام فرهنگی

فراوانی: ۱

درصد: ۹/۰۹

مقوله: نفی منافع عمومی

فراوانی: ۲

درصد: ۱۸/۱۸

جمع کل: فراوانی: ۱۱ و درصد: ۱۰۰

همانطور که مشاهده می‌شود مقولات نقض حریم خصوصی تأکید بر خشونت، نفی پدرسالاری و نفی منافع عمومی بیشترین کارکرد در شبکه نمایش دهنده تلویزیون خصوصی افغانستان داشته‌اند. احترام به حریم خصوصی و منافع عمومی مقوله‌هایی هستند که اصول بین‌المللی اخلاق رسانه‌ای برای رعایت حرمت انسانها و حفظ امنیت جامعه بدان تأکید زیادی می‌کند. ممکن است عدم احترام به حریم خصوصی شهروندان و منافع عمومی باعث شکستن حرمت انسانی و بی‌نظمی در اجتماع و نا‌هنجاری در جامعه گردد. برعکس، احترام به حریم خصوصی، احترام به حق و حق انتخاب به طرف مقابل در صورت رعایت آن احساس امنیت در فرد و جامعه به وجود می‌آید.

همینطور احترام به منافع عمومی به تثبیت قانون و حیثیت فرهنگی در جامعه کمک می‌کند و باعث می‌شود تا افراد نتوانند به منافع شخصی خود دست یازند؛ اما عدم رعایت این اصول از سوی شبکه تلویزیونی خصوصی افغانستان باعث می‌شود که ضمن نادیده انگاشتن اصول بین‌المللی اخلاق رسانه‌ای زمینه بی‌تفاوتی و بی‌اهمیت شمردن حریم خصوصی و منافع عمومی را در جامعه فراهم گردد.

در حالی که انتظار می‌رود که در این شرایطی که قانون آزادی مطبوعات و سیاست رسانه‌ای در حمایت از فعالیتهای آزاد رسانه‌ای رسمیت یافته‌اند در راستای تحقق اخلاق در جامعه تلاش کند تا زمینه اخلاق‌مداری را در فعالیتهای رسانه‌ای و روابط اجتماعی در جامعه تحکیم گردد.

تأکید بر خشونت و نفی پدرسالاری که همانند نقض حریم خصوصی و منافع عمومی بیشترین کارکرد را در شبکه تلویزیونی نمایش دهنده افغانستان داشته‌اند، در واقع مغایر اصول اخلاقی و ارزشهای فرهنگی جامعه سنتی افغانستان قرار می‌گیرد. طبق پیش‌نویس اصول اخلاقی رسانه‌های افغانستان، ارتباط‌گران باید در نفی جنگ و خشونت تلاش کنند؛ اما در اینجا این مهم نه تنها مدنظر قرار نمی‌گیرد بلکه اعمال خشونت را در راستای پر کردن اوقات فراغت در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد.

گرچه اعمال خشونت به هیجان و سرگرمی سریالهایی در ژانر

جنایی می‌افزاید، اما بدون تحقیق در درستی خبر و یا بدون تفهیم جرم و ارتکاب خلاف مایه توحش تلقی می‌گردد. در کشوری که بیش از چند دهه درگیر خشونت و جنگ بوده است، تأثیر خشونت بر اذهان مردم و سوق دادن الگوهای ذهنی آنان به سوی خشونت نه تنها امر اخلاقی نمی‌تواند باشد که چه بسی خیانت نیز می‌تواند تلقی گردد.

شبکه تلویزیونی نمایش دهنده افغانستان باید سعی کند تا تحت هر شرایطی از دامن‌زدن به اعمال خشونت پرهیز کند و به جای ترغیب افراد به خشونت و جنگ به مدارا و همدیگر پذیری تشویق کند. همچنین نفی پدرسالاری با نمایشی که در آن پدر نادیده گرفته می‌شود و یا اینکه پدر در نقش یک دیکتاتور برجسته می‌شود، نه تنها به نقد پدرسالاری در جامعه سنتی افغانستان نمی‌گنجد که راه تخاصم و بی‌اخلاقی را در خانواده‌ها هموار می‌کند.

در جامعه سنتی افغانستان پدر و جایگاه آن در روابط خانوادگی و اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است و از این رو پدر و افکار آن در لابه‌لای فرهنگ دیرینه کشور در جهت زندگی سالم و رفاه خانواده همواره نقش برجسته‌ای داشته است. بدینسان نادیده گرفتن این مهم و تصویر کردن پدر در کانتکس دیکتاتوری آموزه‌ای است که در ورای فرهنگ افغانستان قابل تعریف است و بخش آن در افغانستان مغایر ارزشهای فرهنگی کشور قرار می‌گیرد.

گفتمیم که افغانستان یک جامعه سنتی است و احترام‌گذاران به بزرگان و موی سفیدان در آن همواره یک ارزش فرهنگی و انسانی تلقی می‌شود. از این رو بی‌احترامی یا نقض احترام به بزرگان در رسانه نقض حریم خانواده‌ها و مخدوش نمودن اخلاق خانوادگی در جامعه است. اهمیت این مسئله از آن جهت است که نمایشهای تلویزیونی نسبت به اذهان و افکار عمومی مردم تأثیر گزارند و بدینسان بی‌احترامی به بزرگان یک کارکرد منفی است که در اذهان مخاطبان جای باز می‌کند و ممکن است دیگر مردم به این ارزش پسندیده فرهنگی توجهی نداشته باشند و بی‌احترامی به بزرگان به عنوان آموزه جدید در خانه و جامعه گسترش یابند؛ اما غیرت ناموسی که متأسفانه در جوامع سنتی همانند افغانستان شیوع بیشتری دارد و موجب خشونت فردی، خانوادگی و تضعیف حقوق طبیعی زنان می‌شود، نه تنها شبکه تلویزیونی نمایش دهنده افغانستان در مذمت آن پیش قدم نبوده است، بلکه در گسترش این ارزش منفی فرهنگی تلاش نموده است.

تهییج افکار عمومی به عنوان غیرت ناموسی یکی از کارکردهای منفی شبکه تلویزیونی نمایش دهنده افغانستان است و به نمایش درآوردن این نقض اصول اخلاقی در



هرچند واقعیت این است که «تفسیر» کوشش فردی و درک مستقیم از متن تلقی می‌شود و این درست است که اکثر محققان داده‌ها را در مسیر تفکرشان درک می‌کنند؛ اما باید گفت که تفسیر بر اساس تبدیل موضوع تحلیل از یک چارچوب معنایی به چارچوب معنایی دیگر صورت می‌پذیرد تا درک عمیقی از مفاهیم آغاز گردد (لیندلف و تیلور، ۲۰۰۲: ۲۳۵).

بدینسان هدف از تفسیر در اینجا تبدیل موضوع تحلیل از محتوای سریالهای گل سیاه و کارادایی به خود شبکه خصوصی افغانستان است تا کاربرد آن در راستای اخلاق رسانه‌ای نیز مشخص گردد.

رسانه‌ها حتی تحت عنوان سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت که موجب تقویت الگوهای ذهنی مخاطبان در راستای غیرت ناموسی می‌شود دور از اخلاق حرفه‌ای و شرافت خبرنگاری یا ارتباط‌گری است.

بدین ترتیب شبکه تلویزیونی نمایش دهنده افغانستان اخلاق وظیفه‌گرایی و مسئولیت‌پذیری خود را در قبال مردم و جامعه به خوبی ایفا نموده است. به نظر می‌رسد رویکرد اخلاقی شبکه تلویزیونی نمایش دهنده افغانستان بیشتر متکی به رویکرد اقتصادی است؛ چون با پخش این سریالهای ترکی مخاطبان بیشتری را جذب می‌کند تا بتوانند در لابه‌لای آن تبلیغات بازرگانی خود را پخش کنند. در هر قسمت ۴۵ دقیقه‌ای، چهار بار تبلیغات بازرگانی ۵ دقیقه‌ای و بیشتر پخش می‌شوند. پیشنهاد می‌شود که شبکه تلویزیونی نمایش دهنده افغانستان برای تحقق وظیفه رسالت‌مندی ارتباط‌گری خود باید به همان خرد ارسطویی رجوع کند تا در پرتو آن از اخلاقیات جامعه سنتی و ارزشهای فرهنگی کشور آگاهی و شناخت به دست آورد.

#### منابع الف فارسی

- حریری. نجلا (۱۳۸۵). اصول و روشهای پژوهش کیفی. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- دادگران. سید محمد (۱۳۹۰). مبانی ارتباطات جمعی. تهران: انتشارات فیروزه.
- دانشنامه آریانا (۱۳۹۲). سایت مرکز مطالعات و پژوهشهای بنیادی دانش‌نامه آریانا.
- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (۱۳۸۸). افغانستان. چاپ دوم. تهران: وزارت امور خارجه.
- رحمانی یزدری. علیجان (۱۳۸۸). افغانستان و مشکلات اجتماعی؛ عوامل و راهکارها. قم: مؤسسه انتشاراتی مشهور.
- سندرزی. کارن (۱۳۸۶). اخلاق روزنامه‌نگاری. ترجمه علی اکبر قاضی‌زاده. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سورین. ورنر و تانکار. جمیز (۱۳۸۴). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه علیرضا دهقان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عبداللهیان. حمید و حسنی. حسین (۱۳۹۱). نحوه بازنمایی ارزشهای فرهنگی در تبلیغات تجاری: تحلیل نشانه‌شناختی آگهیهای تلویزیونی در ایران. تهران: فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. شماره ۱. صص ۱۱۸-۸۹.
- لاوری. شرون ای و دی‌فلور. مالوین ال (۱۳۹۰). نقاط عطف در پژوهشهای ارتباط جمعی. ترجمه محمد گذرآبادی. تهران: نشر داتزه.
- لوئیس کلیفورد. م (۱۳۶۸). سرزمین و مردم افغانستان. ترجمه مرتضی اسعدی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لیندسی... استیس (۱۳۸۸). فرهنگ. الگوهای ذهنی و رفاه ملی. مجموعه مقالات اهمیت فرهنگ. ترجمه گروه ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- محمدپور. احمد (۱۳۹۲) روش تحقیق کیفی: ضد روش. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مک‌کوایل. د (۱۳۸۵). درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی. مترجم: پرویز اجلالی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- موسوی. ع (۱۳۸۷). هزاره‌های افغانستان. مترجم: اسدالله شفاپی. تهران: نشر اشک یاس.
- ناصری‌داوودی. عبدالمجید و فهیمی. علی (۱۳۹۰). اصلاحات فرهنگی - اجتماعی امان‌الله در افغانستان. قم: فصلنامه سخن تاریخ. شماره ۱۲. صص ۱۲۰-۹۹.
- نی. (۱۳۹۰). راهنمای رسانه‌ها. کابل: انتشارات مؤسسه نی.
- واعظی. حمزه (۱۳۹۱). هویت‌های پریشان: جستاری در مفاهیم و مبانی فرآیند ملت‌سازی در افغانستان. مشهد: انتشارات بدخشان.
- ب. انگلیسی
- Hsiu-Fang Hsieh & Sarah E. Shannon (2005), Three Approaches to Qualitative Content Analysis, The Journal of Qualitative Health Research, Vol. 15 No. 9, pp. 1277-1288.
- Lindlof Thomas R & Taylor Bryan C (2002), Qualitative Communication Research Methods, California: Sage Publications, Inc.
- USAID (2010), Afghanistan Media in 2010: A comprehensive assessment of the Afghan media landscape, audience, preferences and impact on opinions, Published: by Altai Consulting.